پرسش ها و پاسخ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱ . احکام؛ عقود و معاملات؛ هبه، ودیعه، عاریه، قرض و حواله

۲ . احکام؛ مسائل مستحدثه (نوپیدا)

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش

نویسنده: سلمان شیرازی

با توجه به نظر علامه خراسانی در خصوص ربا و از آنجایی که موضوع ربا بسیار مهم است تمایل دارم سؤالی را مطرح کنم.

عنایت دارید که تورّم در ایران بالاست، شاید حدود ۲۰ درصد؛ یعنی اگر کسی پولش را نزد خود نگاه دارد سالانه ۲۰٪ از ارزش پولش کم می‌شود. حالا اگر کسی پولش را به بانکی بدهد که ۱۸٪ سود می‌دهد، همچنان ۲٪ از ارزش پولش به صورت سالانه کم می‌شود که در واقع یعنی هیچ سودی دریافت نکرده است.

مستدعی است نظر ایشان را اعلام بفرمایید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۳/۲۷

تورّم به معنای افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه کاهش ارزش پول، قاعدتاً برای پرداخت کننده و گیرنده‌ی سپرده یکسان است و با این وصف، نمی‌توان آن را مصداق ضرر دانست. با این حال، اگر مصداق ضرر باشد نیز از یک سو به گیرنده‌ی سپرده مربوط نمی‌شود تا جبران آن بر عهده‌ی او باشد و از سوی دیگر جبران آن با گرفتن ربا جایز نیست. به عبارت دیگر، کسی حق ندارد تاوان ضرر مالی خود را از غیر ضرر رساننده بگیرد یا ضرر مالی خود را با گرفتن ربا از مردم جبران کند؛ زیرا چنین کاری مانند آن است که برای جبران ضرر مالی خود به کم‌فروشی روی آورد یا به بهانه‌ی وجود تورّم به سرقت اقدام کند، در حالی که چنین کارهایی بدون شک جایز نیست و برای جبران ضرر مالی و تورّم، راه‌های مشروعی وجود دارد.

آری، ضرر مالی ناشی از تورّم می‌تواند به وام گیرنده مربوط باشد؛ چراکه او وام دهنده را از تصرّف در پولش باز داشته است و با این وصف، در صورتی که میزان تورّم فاحش و غیر عادی باشد، بازگرداندن وام به نرخ روز جایز است، بلکه وجوب بازگرداندن آن به نرخ روز در هر صورتی بعید نیست، اگرچه تورّم رشد منفی داشته باشد؛ چراکه رقم پول اعتباری است و موضوعیّت ندارد و چیزی که حقیقت و موضوعیّت دارد ارزش پول است؛ چنانکه به عنوان مثال، صد هزار تومان در بیست سال قبل ارزشی بسیار بیشتر از صد هزار تومان در زمان کنونی داشته و با این وصف، کسی که بیست سال قبل صد هزار تومان به کسی وام داده، در صورتی که هم‌اکنون صد هزار تومان از او پس بگیرد، عرفاً متضرّر شده، بلکه حقیقتاً مورد ستم قرار گرفته است؛ همین طور است در صورتی که اعتباراً صفری از پول کاسته شود؛ به این ترتیب که دولت مثلاً صد هزار تومان را ده هزار تومان اعتبار کند؛ زیرا در این صورت نیز کسی که قبلاً صد هزار تومان به کسی وام داده است، نمی‌تواند صد هزار تومان از او پس بگیرد، بلکه باید ده هزار تومان از او پس بگیرد؛ چراکه شاخص، ارزش پول است و نه رقم آن و پس گرفتن صد هزار تومان در این صورت ستمی آشکار شمرده می‌شود، در حالی که خداوند فرموده است: ﴿وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾[1]؛ «اگر (از گرفتن ربا) توبه کنید اصل اموالتان برای شماست، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌شوید» و پیامبر خداوند فرموده است: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»؛ «ضرر دیدن و ضرر رساندن در اسلام نیست» و بر این اساس، بازگرداندن وام به نرخ روز ضروری است؛ زیرا تنها در این صورت است که به هیچ یک از طرفین ستم و ضرری نمی‌رسد؛ خصوصاً با توجّه به اینکه وام دادن به مثابه‌ی یک إحسان نباید سبب ضرر شود، همان طور که نباید سبب سود شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾[2]؛ «آیا جزای احسان جز احسان است؟!». البته روشن است که این بازگرداندن وام به نرخ روز با شرط انجام نمی‌شود؛ زیرا میزان تورّم در زمان بازگرداندن وام معلوم نیست و حتّی ممکن است که رشد منفی داشته باشد و با این وصف، شرط کردن مبلغی معیّن برای بازگرداندن وام وجهی ندارد و ربا محسوب می‌شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

---

۱. البقرة/ ۲۷۹
۲. الرّحمن/ ۶۰

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ رَجُلٍ كَانَ لَهُ عَلَيَّ خَمْسُ مِائَةِ أَلْفِ تُومَانَ فَأَرَدْتُ أَنْ أَقْضِيَهُ بَعْدَ سَنَتَيْنِ فَقَالَ لِي: إِقْضِنِي بِسِعْرِ الْيَوْمِ وَقَدْ غَلَا! قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَ شَيْئًا مَعْلُومًا وَلَمْ يُشْتَرَطْ فَإِنَّمَا يَجِيءُ الرِّبَا مِنْ قِبَلِ الشُّرُوطِ»[1]؛ «از منصور درباره‌ی مردی پرسیدم که از من پانصد هزار تومان پول طلب داشت، پس بعد از دو سال خواستم که آن را به او بازگردانم، پس به من گفت: به نرخ روز به من بازگردان و آن بالا رفته است! فرمود: اشکالی ندارد هرگاه چیز معلومی باشد و شرط نشده باشد؛ چراکه ربا از جانب شروط می‌آید».

از اینجا دانسته می‌شود که تورّم با هیچ تقریری گرفتن ربا را توجیه نمی‌کند و سودهای بانکی که با شرط گرفته می‌شوند، در هر صورتی حرامند.

تعلیقات
پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

پرسش فرعی ۱ — **نویسنده: رحمانی**

با تشکّر از مطالب بسیار مفید و مستدلّ شما در سایت، لطفاً درباره‌ی حکم محاسبه‌ی نرخ تورّم در قرض توضیح بیشتری بفرمایید؛ چون برخی گمان می‌کنند که محاسبه‌ی نرخ تورّم در قرض ربا محسوب می‌شود و جایز نیست.

پاسخ به پرسش فرعی ۱ — **تاریخ: ۱۳۹۶/۳/۱۳**

لطفاً به نکات زیر توجّه فرمایید:

۱ . ربای قرضی، گرفتن سود در ازای قرض همراه با شرط است؛ به این ترتیب که انسان پولی را به کسی قرض بدهد به شرط اینکه از قبل آن سودی عاید او بشود و این از آن رو حرام است که قرض دادن در اسلام برای کمک به دیگران تشریع شده است، نه برای سودجویی و با این وصف، اقدام به آن نباید به کسب تبدیل شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا ۗ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾[2]؛ «آن از این روست که آنان گفتند تجارت مانند ربا است، در حالی که خداوند تجارت را حلال و ربا را حرام کرده است»؛

۱ . گفتار ۸۳، فقره‌ی ۲
۲ . البقرة/ ۲۷۵

خصوصاً با توجّه به اینکه قرض گیرنده لزوماً با پولی که قرض گرفته است به سود معیّنی دست نمی‌یابد تا الزام او به پرداخت سود معیّنی به قرض دهنده وجهی داشته باشد، بلکه غالباً ضرری را جبران یا ضرورتی را تأمین می‌کند و با این وصف، الزام او به پرداخت سود معیّنی به قرض دهنده عادلانه نیست.

۲ . قرض دادن در اسلام همان طور که برای سود رساندن به قرض دهنده تشریع نشده، برای ضرر رساندن به او نیز تشریع نشده است و با این وصف، پول او باید به نحوی برگردانده شود که به او سودی نرسد و در عین حال، ضرری نیز متوجّه او نشود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾[1]؛ «اگر (از گرفتن ربا) توبه کنید سرمایه‌ی‌تان برای شماست، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌شوید». این مستلزم آن است که قرض گیرنده پول قرض دهنده را با همان ارزشی که داشته است برگرداند؛ زیرا چیزی که او را به گرفتن آن واداشته، ارزش آن بوده است، تا به وسیله‌ی آن نیازهای زمان خود را برآورده کند و قرض دهنده نیز آن را با وجود ارزشش به او داده است و با این وصف، هرگاه زمان زیادی بر آن بگذرد و ارزش خود را از دست بدهد، برگرداندن آن بدون ارزشش برگرداندن پول قرض دهنده نیست، بلکه ضرر رساندن به او با مغالطه و سوء استفاده از تحوّلات اقتصادی است. به عبارت دیگر، برگرداندن پول قرض گرفته شده با ارزشی کمتر از ارزش زمان قرض، به قرض دهنده ضرر و به قرض گیرنده سود می‌رساند و این همان اندازه ناعادلانه است که ربا؛ با این تفاوت که ربا سود رساندن قرض به قرض دهنده است و برگرداندن پول با ارزش کمتر سود رساندن آن به قرض گیرنده، در حالی که هر دو بر خلاف عدالت‌اند. آری، ممکن است گفته شود که قرض دهنده خود به قرض دادن اقدام کرده است و با این وصف، استحقاق ضرر را دارد، ولی این سخن درستی نیست؛ چراکه از یک سو قاعده‌ی اقدام در مورد اقدام به کارهای بد جریان دارد، در حالی که قرض دهنده نیکوکار است و خداوند فرموده است: ﴿مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ﴾[2]؛ «بر نیکوکاران راهی نیست» و فرموده است: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾[3]؛ «آیا جزای نیکوکاری جز نیکوکاری است؟!» و از سوی دیگر قرض گیرنده نیز خود به قرض گرفتن اقدام کرده است، با این تفاوت که نیکوکار نیست و با این وصف، از قرض دهنده به ضرر مستحق‌تر است. هر چند برگرداندن پول با نرخ روز، در واقع ضرر محسوب نمی‌شود، بل عدم سود محسوب می‌شود که مقتضای عدالت است.

---

۱ . البقرة/ ۲۷۹
۲ . التّوبة/ ۹۱
۳ . الرّحمن/ ۶۰

۳ . حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، پس گرفتن قرض با نرخ روز افزایش یافته را به دو شرط جایز دانسته و فرموده است: «لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَ شَيْئًا مَعْلُومًا وَلَمْ يُشْتَرَطْ»[1]؛ «اشکالی ندارد هرگاه چیز معلومی باشد و شرط نشده باشد». این به معنای آن است که شرط کردن مبلغ اضافی معیّن در زمان قرض اگر چه تحت عنوان «نرخ تورّم»، ربا محسوب می‌شود و حرام است؛ زیرا همه‌ی عوامل مؤثر بر روی «نرخ تورّم» قابل پیشبینی نیست و گاهی برخی حوادث پیشبینی نشده باعث کاهش یا افزایش آن می‌شود، بلکه شرط کردن مبلغ اضافی غیر معیّن در زمان قرض تحت عنوان «نرخ تورّم» نیز جایز نیست؛ چراکه ممکن است تورّم در زمان بازپرداخت قرض رشد منفی داشته باشد. این به معنای آن است که «نرخ تورّم» تنها در زمان بازپرداخت قرض «معلوم» می‌شود و پیش از آن تنها «تخمین» است که اعتباری ندارد و نمی‌تواند مبنای شرط قرار گیرد. بنابراین، پس گرفتن قرض با نرخ روز نباید پوششی برای ربا شود؛ به این معنا که ربا را با نام «نرخ تورّم» بگیرند.

۴ . در زمان بازپرداخت قرض، اگر محاسبه‌ی دقیق «نرخ تورّم» با وجود علم به افزایش آن ممکن نباشد، واجب است که طلبکار و بدهکار با یکدیگر بر مبلغی صلح کنند. همچنین، در صورتی که «نرخ تورّم» افزایش فاحشی نداشته و کاهش ارزش پول متعارف بوده، مستحبّ است که طلبکار آن را محاسبه نکند، بلکه عدم جواز محاسبه‌ی آن در این صورت خالی از وجه نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد که عرف این مقدار کاهش ارزش پول را ضرر نمی‌داند؛ مانند مقدار کاهش آن در نوع قرض‌های کوتاه‌مدّت و با این وصف، مقتضای احتیاط عدم محاسبه‌ی «نرخ تورّم» جز در افزایش فاحش و غیر متعارف است که نوعاً در قرض‌های درازمدّت مصداق می‌یابد.

پرسش فرعی ۲ — نویسنده: عماد فضلی

شما بازپرداخت وام به نرخ روز را مشروع دانستید، ولی در حال حاضر، نرخ تورّم در ایران بسیار بالاست و گاهی از ۸۰ درصد هم فراتر می‌رود و این یعنی کسی که مثلاً یک میلیارد تومان وام می‌گیرد، باید یک ماه دیگر یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان برگرداند، در حالی که با یک میلیارد تومان در یک ماه به هیچ وجه نمی‌تواند هشتصد میلیون تومان سود به دست بیاورد تا وامش را برگرداند و این عادلانه نیست!

---

۱ . گفتار ۸۳، فقره‌ی ۲

پاسخ به پرسش فرعی ۲ **تاریخ: ۱۴۰۵/۶/۶**

آنچه ما گفتیم ناظر به زمانی بود که درآمد مردم، متناسب با رشد تورّم، افزایش می‌یابد؛ زیرا قاعده این است که وقتی رشد تورّم مثلاً ۲۰ درصد است، درآمد کارگران و کارمندان هم ۲۰ درصد افزایش یابد و با این حساب، بازپرداخت وام با ۲۰ درصد افزایش رقمی و ظاهری، عادلانه است و تبعاً اشکالی ندارد، ولی زمانی که این قاعده نقض می‌شود و تناسبی -هر چند تقریبی- میان رشد تورّم و درآمد مردم نیست، حکم فرق می‌کند؛ چراکه مبنای حکم، مشروعیّت عدالت است؛ با توجّه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾[1]؛ «خداوند به عدالت امر می‌کند» و فرموده است: ﴿وَأَقْسِطُوا ۖ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾[2]؛ «و عدالت ورزید که خداوند عدالت‌ورزان را دوست می‌دارد» و بر این مبنا، پس گرفتن وام به نرخ روز، تا زمانی جایز است که عدالت محسوب شود و هر زمان که ظلم محسوب شود، جایز نیست و آن زمانی است که رشد تورّم بسیار بیشتر از رشد درآمد است، تا حدّی که بازپرداخت وام با محاسبه‌ی نرخ تورّم، عملاً مقدور نیست، یا عسر و حرج دارد.

هر چند در صورتی که وام در چنین زمانی گرفته شده باشد، ممکن است گفته شود که وام‌گیرنده از ناتوانی خود در بازپرداخت وام به نرخ روز آگاه بوده و با این آگاهی، اقدام به گرفتن وام کرده و از این جهت، مسؤول است، ولی این سخن قابل قبول نیست؛ زیرا ممکن است که او تحت فشار مشکلات، ناگزیر به گرفتن وام شده باشد، یا امیدوار بوده باشد که شرایط تغییر کند؛ به این صورت که نرخ تورّم پایین بیاید، یا نرخ درآمد افزایش پیدا کند و با این اوصاف، نمی‌توان او را مسؤول دانست. هر چند در این صورت، وام‌دهنده متضرّر خواهد شد، ولی باید توجّه داشت که او نیز در چنین زمانی وام داده و تبعاً از ناتوانی وام‌گیرنده در بازپرداخت وام به نرخ روز آگاه بوده و این مانند آن است که او را از این کار معاف کرده باشد و اگر مانند آن نباشد نیز نمی‌توان او را به کاری ملزم کرد که عملاً مقدور نیست، یا عسر و حرج دارد؛ با توجّه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾[3]؛ «خداوند کسی را جز به اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌کند» و فرموده است: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾[4]؛ «و برای شما در دین تنگنایی قرار نداده است».

---

۱. النّحل/ ۹۰
۲. الحجرات/ ۹
۳. البقرة/ ۲۸۶
۴. الحجّ/ ۷۸

آری، بنا بر قاعده‌ی «الْمَیْسُورُ لَا یَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ»؛ «بخش مقدور و میسّر، به خاطر بخشی که مقدور و میسّر نیست، ساقط نمی‌شود»، وام‌گیرنده باید مقداری از رشد تورّم که با رشد درآمد تناسب دارد را بپردازد؛ به این صورت که اگر مثلاً رشد تورّم ۸۰ درصد و رشد درآمد ۲۰ درصد است، وام را با ۲۰ درصد افزایش برگرداند و این مبتنی بر سخن خداوند است که فرموده است: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾[1]؛ «تا جایی که می‌توانید از خدا بترسید».

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
بخش پاسخگویی به پرسش‌ها

برای خواندن
مهم‌ترین مطالب پایگاه
کلیک کنید.

۱. التّغابن/ ۱۶